

# بررسی تاریخ تطوّر و اصول عقاید

## شیعیان بهره داوودی\*



دکتر امیربهرام عرب احمدی

دکترای تاریخ ایران و مدرس دانشگاه

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### چکیده

فرقه بهره داوودی یکی از مذاهب منشعب از تشیع است که در سطح جهان چند میلیون نفر پیرو دارد. اساس این فرقه بر انتخاب داوطلبانه آن قرار گرفته است، لذا افراد هر یک از جوامع بهره، آزادانه این مذهب را پذیرفته‌اند و در قبول و یا رد آن آزادند. در این مقاله علاوه بر بررسی کلی تاریخ این فرقه، برخی از اصول اعتقادی و آداب و رسوم شیعیان بهره داوودی به‌طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته، تصویری کلی از وضعیت دینی این مذهب ترسیم شده است.

کلیدواژه‌ها: شیعه، اسماعیلیه، نزار، مستعلی، عقیده، باطن، میثاق.

\* تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۱/۱۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۳/۱۳.

## مقدمه

تاریخ بهره تا زمان امامت المستنصر بالله، خلیفه فاطمی با تاریخ اسماعیلیه مشترک است.

در زمان امامت امام جعفر صادق علیه السلام اسماعیل، فرزند بزرگ امام علیه السلام به جانشینی پدر تعیین شد، ولی پس از مرگ نابهنگام وی که پنج سال پیش از شهادت امام ششم شیعیان صورت گرفت، حضرت، نص امامت را بر موسی پسر دیگر خود قرار داد. با این حال گروهی از یاران امام صادق علیه السلام با این انتصاب مخالفت نموده، با اصرار بر اینکه نص امامت رجوع قهقرای نمی‌کند و بدا نیز محال است، بر امامت اسماعیل پای فشرده‌ند (هاجسن، ۱۳۵۴، ص ۱۶). گروهی از آنان حتی منکر مرگ اسماعیل شدند و مرگ او را تقیه‌ای برای مصونیت از سوء قصد دشمنان دانستند (پطروشفسکی، ۱۳۶۹، ص ۳۵۴). این انشعابیون سپس محمد پسر اسماعیل را امام بعدی دانستند و با عدم قبول امامت موسی کاظم علیه السلام رسماً از سایر شیعیان جدا شدند (شهرستانی، ۱۳۵۰، ص ۱۵۲). بدین سان شاخه نوینی از تشیع پدید آمد که پیروان آن خود را اسماعیلیان یا اسماعیلیه خواندند (مشکور، ۱۳۵۸، ص ۳۴). در زمان خلافت هارون الرشید، خلیفه عباسی به سبب خطری که نسبت به حضور محمد بن اسماعیل در بغداد احساس می‌کرد، وی را مورد تعقیب قرار داد (لوئیس، ۱۳۶۳، ص ۹۸-۹۷). محمد چندی زندانی شد و سپس به شرط آنکه از مرکز حکومت عباسیان دور گردد، آزاد شد. وی چندی در ناحیه دماوند، نزدیک ری پنهان شد و سپس به دژی در نهاوند رفت و از آنجا رهسپار سابور و فرغانه شد و در همان مکان درگذشت.\*

\* داستان زندگی محمد بن اسماعیل، پس از آنکه پیروان اسماعیلیه او را امام خواندند، بسیار مفصل است. وی پس از امام خوانده شدن، وارد استتار شد و نقش مهمی در تحکیم ساختار عقیدتی این مذهب ایفا نمود (هولیستر، ۱۳۷۳ ش، ص ۲۳۳).

پس از مرگ محمد، اسماعیلیه به‌طور پراکنده تبلیغاتی را انجام می‌دادند تا سرانجام با روی کار آمدن حکومت فاطمیان مصر، این فرقه بسیار قدرتمند شد و مبلغانی را به سراسر مملکت اسلامی آن زمان، اعزام نمود. پس از مرگ المستنصر - هشتمین خلیفه فاطمی و امام اسماعیلی‌ها - اختلافی بین اسماعیلیان بروز نمود؛ زیرا گروهی از آنان نزار پسر بزرگ وی را رهبر اسماعیلیه‌ها دانستند و گروه دیگر مستعلی فرزند کوچک وی را پیشوای اسماعیلیان خواندند (مشکور، ۱۳۵۵، ص ۷۷). این امر سبب بروز درگیری سختی بین دو برادر شد و به انشعاب اسماعیلیه‌ها انجامید؛ به طوری که پیروان نزار نسل آقاخانیه‌های فعلی را تشکیل دادند (مشهورترین پیشوای آنان حسن صباح در قرن ششم هجری در زمان حکومت سلجوقیان در ایران قیام کرد و قلعه الموت را به عنوان پایگاه انسانی خود قرار داد) و پیروان مستعلی به «مستعلیون» معروف شدند که باقیمانده آنان امروزه به «بهره» موسومند (دفتری، ۱۳۷۵، ص ۲۹۰).

مستعلیون در قرن ششم هجری ابتدا به یمن و از آنجا به هند مهاجرت کردند و در این سرزمین سکونت یافتند؛ به طوری که هنوز بخش اعظم بهره‌ها در هند سکونت دارند و پیشوای آنان (داعی مطلق نایب امام بیست و یکم) نیز در شهر بمبئی اقامت دارد.

در این مقاله تلاش شده است دلایل جدا شدن بهره‌ها از اکثریت اسماعیلیه‌ها و تحولات پدید آمده در بین پیروان این مذهب با تکیه بر اطلاعات موجود و از طریق روش ساختارگرایی کارکردی مورد بررسی قرار گیرد. بدیهی است در این میان، نویسنده تلاش کرده است از طریق روش تاریخی متکی بر توصیف و تحلیل به سؤالاتی در مورد اصول عقاید، شیوه زندگی و نحوه سازماندهی داخلی پیروان فرقه بهره پاسخ دهد.

## تاریخ شیعیان بهره، تاریخ اسماعیلیه‌های مصر و طیبی‌های یمنی

در سال ۴۸۷ هـ.ق / ۱۰۹۴ م پس از مرگ المستنصر بالله، شکافی در جامعه اسماعیلی‌ها به وجود آمد. گروهی از آنان از پسر بزرگ المستنصر، نزار تبعیت نمودند و گروهی دیگر از پسر جوان وی، احمد المستعلی پیروی کردند و از سایر اسماعیلی‌ها جدا شدند (همان، ص ۲۹۳). پس از آنکه المستعلی در سن ۲۸ سالگی مسموم شد و از دنیا رفت،\* پسرش، الأمر رشته امامت را به دست گرفت، ولی او نیز در سال ۵۲۴ هـ.ق / ۱۱۳۰ م طی توطئه‌ای از سوی دشمنان به قتل رسید. گفته می‌شود وی با پیش‌بینی مرگ خود، پسرش الطیب را مدتی پس از تولدش به عنوان جانشین خویش معرفی کرده، در همان زمان عموی خود، عبدالمجید را نایب‌السلطنه قرار داده بود (Salvadori, 1998, P. 254). عبدالمجید با تصاحب حقوق دیگران، خود را محق، حامی و نگهدار واقعی خط امامت دانست و حکمرانی خود را آغاز نمود. الطیب نیز از انظار پنهان گشت.\*\*

عبدالمجید با عنوان الحافظ حکمرانی خود را شروع نمود و اگرچه جانشین اصلی و مستقیم الامر نبود، ولی سازمان مرکزی مستعلی‌ها (الدعوة) جانشینی بالفعل وی را پذیرفت. با این کار، شمار بسیاری از اسماعیلی‌های مستعلیه در

---

\* در خصوص امامت مستعلی و بر حق بودن وی، منازعات گوناگونی بین طرفداران دو فرقه صورت گرفته است. نزاری‌ها این امر را توطئه‌ای از سوی مستعلی می‌دانند؛ ولی پیروان مستعلیه معتقدند هر چند نزار رسماً به امامت منصوب شده بود، ولی مستنصر پیش از مرگ بدا حاصل نمود و مستعلی را به امامت منصوب کرد (هاچسن، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۳۰).

\*\* طی توطئه‌ای که برادرش جعفر برای او ترتیب داده بود، وزیر، پنج برادر و گروه زیادی از ملازمانش به قتل رسیدند. توطئه‌گران در صدد بودند مأمون ابو عبدالله را که یکی از پسران نزار بود، به امامت برسانند. الأمر در اواخر عمرش برای آنکه پایه‌های خلافت خود و فرقه المستعلیه را مستحکم نماید، کتاب الهدایة الأمریه را تألیف نمود و در این کتاب نص مستعلی به جای نزار را به طور کامل شرح داد (هولستر، پیشین، ص ۲۷۴).

سوریه و مصر، الحافظ را به عنوان حکمران خود پذیرفتند و در نتیجه خلیفه فاطمی، حکمرانی خود را از مصر ادامه داد. با وجود به رسمیت شناخته شدن عبدالمجید از سوی الدعوة، برخی از اجتماعات مستعلیه در مصر، سوریه و یمن خط الأمر و الطیب را پیش کشیدند و از آن حمایت و طرفداری نمودند و اعلام کردند الطیب دهمین خلیفه فاطمی و بیست و یکمین امام اسماعیلی در سال ۱۱۳۲ غیبت نموده است. (Ibid, 1998, P. 255).

در همان زمان، اسماعیلی‌های مستعلی که به یمن مهاجرت کرده بودند، تحت حکمرانی زنی به نام المولاتنا حره الملکه بودند\* که توسط المستنصر و الأمر به عنوان حجت یمن منصوب شده بود. ملکه حره زنی مسن در عین حال قدرتمند بود؛ لذا توسط سازمان مرکزی اسماعیلی‌های مستعلی (الدعوة) به عنوان رهبر انتخاب شد و با این کار طرفدار و حامی الطیب پسر الأمر که در غیبت به سر می‌برد، باقی ماند (Ibid). ملکه حره پیش از مرگ اولین داعی مطلق مستعلی‌ها، سیدنا، صاحب ذویب بن موسی را به این مقام منصوب نمود و از آن زمان، آنها به طیبی‌ها مشهور شدند (هولستر، ۱۳۷۳، ص ۳۹۸).

در آن زمان اجتماعات امیریه در مصر و سوریه پراکنده بودند، ولی تحت رهبری داعی مطلق سوم - که در نگاشتن جزوات مذهبی نقش مهمی داشت - توانستند نفوذ چشمگیری در کوه‌های هراز به وجود آورند و پس از مدتی،

---

\* دوره نیابت سلطنت عبدالمجید دورانی پرآشوب بود. با وجود آنکه الأمر دارای فرزندی به نام طیب بود - که مدت زمان کوتاهی پس از مرگش به دنیا آمد - ولی عبدالمجید به ناحق در سال ۵۲۶ هـ ق / ۱۱۳۳ با لقب الحافظ‌الدین الله خود را خلیفه و امام فاطمی دانست. الحافظ اولین خلیفه فاطمی بود که امامت و خلافت را از پدرش به ارث نبرده بود؛ لذا بر اساس سجلی که تهیه گردید، اینگونه وانمود شد که امر شخصاً نص خلافت و امامت را به پسر عمویش عبدالمجید قرار داده است. (Salvadori, Ibid, P.P 255\_256)

فعالیت آنها فراتر از مرزهای یمن گسترش پیدا کرد. طبیعی‌ها همانند یمنی‌ها تاجریشه بودند؛ چرا که این کشور در خط سیر تجاری اقیانوس هند قرار داشت و دارای ارتباطات تجاری زیادی با شمال غربی هندوستان بود، لذا طبیعی‌های تاجریشه، اجتماعات مذهبی متعددی در شهرهای ساحلی ایجاد کردند (Salvadori, Ibid).

### اسماعیلی‌های طبیعی در هندوستان

تاریخ حضور اسماعیلیان در هندوستان و دعوت اسماعیلی در این کشور به سال‌ها پیش از حمله سلطان محمود غزنوی به هند باز می‌گردد و پیش از آن نیز المعزالدین الله معد بن اسماعیل (۳۶۵-۳۱۹ ه‍.ق) خلیفه فاطمی با داعی‌الدعاة اسماعیلی هند مکاتبه داشته است. در زمان همین خلیفه بود که اسماعیلیان بر مولتان تسلط یافتند. خلیفه المستنصر بالله نیز به داعی‌گری اهمیت زیادی می‌داد و مبلغانی در زمان خلافت وی به هندوستان اعزام شدند (بنیاد دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۸، ص ۵۲۷).

پس از به وجود آمدن شاخه طبیعی‌های مستعلیه نیز توجه به اعزام داعیان به هندوستان ادامه یافت. این امر به تدریج سبب افزایش شمار پیروان این مذهب شد و در نتیجه تلاش‌های یکی از داعیان بزرگ طبیعی و کراماتی که به وی نسبت داده شد،\* نخست وزیر و پادشاه سید هاراج جیا سنگلیها و بهارمال نیز به این آیین روی آوردند (Salvadori, Ibid).

\* در اکثر منابع، اعم از متقدم و متأخر این داعی معروف عبدالله نامیده شده است. دکتر فرهاد دفتری در کتاب تاریخ و عقاید اسماعیلیه، صفحه ۳۴۰، آصف فیضی در "Encyclopaedia of Islam"، جلد اول، صفحه ۱۲۵۵ و هولیستر در تشیع در هند، صفحه ۳۰۱-۳۰۰ نیز وی را بنیانگذار فرقه مستعلیون هند، موسوم به بهره‌های داوودی دانسته‌اند.

پس از آن به تدریج شمار بسیاری از گجراتی‌های هند نیز به آیین طبیعی روی آوردند و تعدادشان روز به روز فزونی یافت. در قرن پانزده میلادی بهره‌ها تحت آزار و اذیت سلاطین سنی‌مذهب گجرات قرار گرفتند؛ ولی در عین حال این اذیت و آزار قابل مقایسه با کشتار آنها در یمن در سال‌های بعد از آن نبود (دفتری، ۱۳۷۵، ص ۳۴۱-۳۴۳).

در آن دوره، مستعلی‌های هند و یمن با وجود فاصله جغرافیایی، همچون یک واحد عمل می‌کردند و تحت اوامر یک داعی که در یمن بود، انجام وظیفه می‌نمودند. در سال ۱۵۳۱ مقام داعی مطلق به یک هندی به نام یوسف نجم‌الدین بن سلیمان واگذار شد. وی کرسی دعوت را در یمن نگاه داشت؛ ولی جانشین وی، جلال بن حسن - که او نیز هندی بود - ادارات مرکزی دعوت را به شهر گجرات منتقل نمود و از آن پس طبیعی‌های یمن توسط نماینده داعی مطلق در هند رهبری می‌شدند؛ همان طوری که قبلاً طبیعی‌های هند توسط نماینده داعی مطلق در یمن رهبری می‌شدند (History of Bohras, 2007, P.8).

با این حال، این ترتیب چندان دوام نیافت. در سال ۱۵۳۸ پس از مرگ داعی بیست و ششم (داوود بن عجب‌شاه) بر سر جانشینی وی اختلاف افتاد و داوود برهان‌الدین بن قطب‌شاه در شهر "Sidhpur" هند به مقام داعی مطلق نائل آمد؛ ولی نایب داعی داوود بن عجب‌شاه در یمن که سلیمان ابن الحسن نام داشت، ادعا کرد وی قبلاً توسط داعی بیست و ششم به این سمت انتخاب شده است و لذا هر دو خود را داعی مطلق خواندند. این اختلاف و شکاف از آن زمان ایجاد گشت و از آن عهد طبیعی‌های یمنی به سلیمانی‌ها و طبیعی‌های هند به داوودی‌ها مشهور شدند (دفتری، ۱۳۷۵، ص ۳۴۴-۳۴۵).

داوودی‌ها که اکثریت مستعلی‌ها را تشکیل می‌دادند، به تدریج روابط تجاری و

بازرگانی خود را با یمن قطع نمودند و سعی کردند جامعه خود را در هند تقویت کنند. آنها با وجود آزار و اذیت امپراتوری مغول هند، جامعه خود را گسترش دادند و جامعه بهره‌های مستعلیه، ستون‌های خود را در گجرات و اطراف آن استوار ساخت. کرسی دعوت نیز ابتدا برای چند سال در احمدآباد استقرار یافت و سپس به جمع‌نگار، ماندوی، موندار، اوجین، برهانپور و بالاخره شهر سورات منتقل گشت. ادارات مرکزی بهره‌ها برای چندین سال طولانی در سورت باقی ماند و در همین شهر بود که مدرسه دینی «الجامعة السیفیه» در سال ۱۸۱۴ م بنا نهاده شد (Salvadori, 1998, P.256).

در سال‌های بعد که فعالیت‌های تجاری از شهر سورات به بمبئی منتقل شد، اکثر داوودی‌ها نیز به بمبئی آمدند و از اوائل قرن بیستم (۱۹۲۰-۱۹۲۱) کرسی دعوت و سازمان مرکزی نیز به بمبئی منتقل گشت. از آن زمان تا کنون، مرکز اصلی داعی مطلق بهره‌ها در هندوستان باقی مانده است و بهره‌ها برای دیدار رهبر خود رهسپار این کشور می‌شوند.

گفتنی است با توجه به آنکه داوودی‌ها بیشتر تاجرپیشه بوده‌اند، لذا به فرقه بهره مشهور گشته‌اند. کلمه «Vorhorvu» نیز در زبان گجراتی به معنی تجارت است (The Encyclopaedia of Islam, 1960, P. 1255). البته برخی از هندوها و مسلمانان سنی نیز بهره نامیده می‌شوند، ولی معمولاً در هندوستان، اسماعیلی‌های مستعلیه داوودی به بهره‌ها شهرت یافته‌اند، هر چند که خود آنها ترجیح می‌دهند جامعه شیعیان اسماعیلی طیبی خوانده شوند.\*

\* نویسنده به سبب جلوگیری از به درازا کشیده شدن کلام، از ذکر تاریخچه داوودی‌ها و سلیمانی‌ها اعم از جعفر شیرازی (بهره جعفریه)، سیدنا سیف‌الدین، علی بن ابراهیم سیف‌الدین (بهره علیه)، بهره‌نگوشیه و... خودداری نموده است.



## سلسله مراتب دعوت بهره‌های داوودی

استقرار جماعات شیعیان بهره‌داوودی در کشورهای مختلف جهان، اگرچه تا حدودی ناشی از تلاش افراد بهره‌برده است، ولی نظم و انسجام موجود در سازمان و جوامع آنها از عوامل مهم پیشرفت این اقلیت مذهبی به شمار می‌رود. هر یک از جماعات بهره‌ها سازمانی رسمی متعلق به آنها به شمار می‌رود و هر کدام از بهره‌ها عضو این جماعات محسوب می‌شوند. جماعت، کوچک‌ترین و پایین‌ترین واحد در سازمان تشکیلاتی بهره‌ها از نظر سلسله مراتب محسوب می‌گردد؛ و در حدود ۴۷۰ جماعت بهره‌های داوودی در سطح جهان وجود دارد (A Glance at Bohra Jimaat, 1995, P.3-4). داعی مطلق یا رهبر بهره‌های داوودی معمولاً اجازه ورود افراد به جماعات را صادر می‌کند و اساسنامه ویژه‌ای نیز برای جماعت تصویب می‌کند؛ البته وی مستقیماً افراد و مسئولان جماعت‌ها را منصوب نمی‌کند، بلکه در واقع اساسنامه انتخابات مسئولان جماعت و هیئت امانا را پیش‌بینی می‌کند. پس از انتخابات و مشخص شدن افراد، فهرست آنان نزد داعی مطلق فرستاده می‌شود و او تصویب نهایی را به همراه دعای خیر برای آنان ارسال می‌کند (Salvadori, 1998, P.259).

تشکیلات شاخه طبیعی‌های بهره بر روی محور داعی می‌چرخد. آنها معتقدند نقش داعی مطلق در قرآن و همین‌طور در احادیث و روایات امامان اسماعیلی آمده است، ولی تفسیر این آیات باطنی است نه ظاهری و لذا داعی مطلق است که می‌تواند آن را استدراک نماید. آنان همچنین معتقدند هر امامی می‌تواند در برهه‌ای از زمان از دیده‌ها پنهان گردد؛ همان‌طور که امام بیست و یکم، مولانا طیب در عالم «ستر» به سر می‌برد؛ لذا به اعتقاد آنها، در حال حاضر تنها یک امام در روی زمین به صورت ناپیدا زندگی می‌کند که در واقع وصی و جانشین پیامبر

اکرم علیه السلام است و مأموریت وی از طریق داعی مطلق انجام می‌گیرد (همان، ص ۲۵۹). امام در واقع منبع خیرات، قوانین و بالاخره قدرت نهایی است؛ لذا بهره‌ها معمولاً هر ملکی یا مالی را که در راه خدا اهدا می‌کنند، به نام امام خود هبه می‌نمایند. از دیگر اعتقادات بهره‌ها این است که تا زمانی که امام در غیبت به سر می‌برد، نماینده وی به نام داعی المطلق از طرف وی کارها را انجام می‌دهد. سازمان مرکزی بهره‌ها که «دعوت» نام دارد نیز تعهد پیروی و اطاعت را از پیروان خود می‌گیرد و همان طور که امام نمی‌تواند بدون تعیین جانشین بمیرد، داعی مطلق نیز قبل از مرگ باید جانشین خود را تعیین نماید (همان، ۲۶۰)؛ البته این انتخاب که همانا هدایت الهی را پیشه خود می‌سازد، بر اساس معیار تحصیلات، آموزش‌های معنوی و اخلاقی انجام می‌گیرد و لازم نیست داعی مطلق آینده، حتماً از بین خویشاوندان داعی مطلق انتخاب گردد.

از آنجا که داعی مطلق نماینده ویژه امام بر روی زمین است و قدرت مطلق را از وی اکتساب می‌کند، بنابراین موقعیت داعی مطلق و اعتقاد به آن از امور مهم اعتقادی و آیین دینداری در میان بهره‌هاست و حکمرانی داعی مطلق در بین بهره‌های داوودی از درجه اول اهمیت برخوردار است.\*

بهره‌ها داعی مطلق را معصوم، لغزش‌ناپذیر و دارای دانش مذهبی لازم، یعنی علم می‌دانند؛ از این رو داعی با اقتدار کامل و تولیت بر تمام وجوه زندگی جامعه بهره‌ها، رئیس عالی سازمان دعوت به شمار می‌آید و با خودمختاری مطلق، حکومت می‌کند.

---

\* داعی در بین بهره‌ها با القاب متفاوتی خطاب می‌گردد که عبارتند از: مولانا، حضور والا، پیشوای اعظام، آکامولا، ملاجی، صاحب و سیدنا صاحب که همه به معنی اعلی حضرت است. بهره‌ها وی را با پاپ مقایسه می‌کنند و خود را خدمتگزار داعی مطلق می‌دانند (مشاهدات میدانی پژوهشگر، ۱۳۷۵، دارالسلام).

مکان استقرار داعی مطلق از نخستین دهه‌های قرن بیستم، شهر بمبئی هندوستان بوده است (دفتری، ۱۳۷۵، ص ۳۵۸)؛ با این حال جایگاه دعوت داوودی که به «ضریحی» شهرت دارد، در شهر سورات است (The Encyclopaedia of Islam, 1960, P.1255). دومین نفر، از نظر رتبه در جامعه بهره «مأذون» است\* و سومین شخص در جامعه بهره‌ها از نظر تشکیلاتی، «مکاسر» است که در واقع دستیار مأذون به شمار می‌رود (Salvadori, 1998, P.269). این افراد که توسط داعی مطلق منصوب می‌شوند، در علم باطن نیز تبحر دارند که در واقع عنصر تشکیل‌دهنده ایمان بهره‌هاست. گفته می‌شود برای رسیدن به این درجه از علم باطن، ۲۵ تا ۳۰ سال مطالعه لازم است (Bohra Believes, 1994, P.12).

مقام بعدی پس از «مکاسر» از آن مشایخ است. آنان که به «حدود» نیز معروفند، هجده شیخ را تشکیل می‌دهند و با وجود دارا بودن درجات مختلف، جملگی با عنوان بهایی صاحب خوانده می‌شوند. این مشایخ معمولاً به تعالیم اسماعیلی و زبان عربی تسلط دارند و در جامعه السیفیه تحصیل کرده‌اند (دفتری، ۱۳۷۵، ص ۳۵۹). دیگر مقامی که در سلسله مراتب دعوت بهره‌های داوودی قرار دارد، نماینده ویژه داعی، موسوم به عامل است. این عامل‌ها که میان صاحب نیز خوانده می‌شوند، از سوی داعی در جامعه‌ای که در برگیرنده بیش از پنجاه خانوار باشد، منصوب می‌شوند. عامل‌ها ریاست جماعت‌های خود را بر عهده دارند و کلیه امور، اعم از مراسم دینی، ازدواج، تدفین، ختنه و مراسم اجتماعی با اجازه آنها انجام می‌شود.\*\* عاملین شهرهای مهم بهره‌های

---

\* مأذون معمولاً از بین بستگان بسیار نزدیک داعی برگزیده می‌شود و پس از داعی مطلق جانشین او می‌شود (دفتری، پیشین، ص ۳۵۸).

\*\* بهره‌ها معتقدند: برای اخذ مقام عاملی، سیزده سال مطالعه در علوم اسلامی و عقاید اسماعیلیه الزامی است (بررسی‌های میدانی نگارنده، ۱۳۷۵، درالسلام).

داوودی، همچون برهانپور، کراچی، اوجین و بمبئی معمولاً از بین بستگان مورد اعتماد داعی مطلق برگزیده می‌شوند (بنیاد دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۸، ص ۵۲۸).

پایین‌ترین مرتبه در سلسله مراتب دعوت داوودی‌ها «ملا» است. ملاها معمولاً از بین افراد جامعه خود انتخاب می‌شوند و تحت نظر عاملان انجام وظیفه می‌کنند و در برخی اوقات و در هنگام غیبت عامل، نماز جماعت بهره‌های داوودی را برگزار می‌کنند. گاهی اوقات برخی از وظایف تبلیغی و دینی نیز به ملاها واگذار می‌شود.

مشایخ و ملاها معمولاً در زمینه خاصی به جامعه خود خدمت می‌کنند. اعطای این القاب توسط داعی صورت می‌گیرد و این مقامات پس از دریافت لقب‌های خود، صاحب عمامه‌های مخصوص سفیدرنگی می‌شوند که طی مراسم مذهبی بر سر آنها نهاده می‌شود (Bohra Believes, 1994, P.14).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### اعتقادات اساسی

اعتقادات اساسی این فرقه، آمیخته‌ای از مفاهیم (تا حدودی کفرآمیز) دینی و بدعت‌های خاص بهره‌های داوودی است. آنها معتقدند:

۱. تنها یک خدا وجود دارد.
۲. قرآن، کتاب دینی شیعیان بهره است و کلیه این فرقه‌ها باید در فراگیری مفاهیم آن بکوشند؛ هر چند تنها داعیان و معدودی از بزرگان مذهبی به باطن قرآن وقوف دارند. حضرت محمد ﷺ پیامبر خدا و حضرت علی رضی الله عنه وصی و شریک اوست و همواره جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می‌رود (هولیتسر، ۱۳۷۳، ص ۳۱۹).

۳. امامان، مکمل پیامبران هستند؛ با این تفاوت که پیامبران مبلغان شرایع ظاهری و امامان مبلغان شرایع باطنی اسلام می‌باشند.

۴. نسل شیعیان فعلی از حضرت علی علیه السلام نشأت می‌گیرد که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله دارای بالاترین درجه تقدیس و احترام است (A Glance at Bohra Jimaat, 1995, P.13).  
۵. پس از حضرت علی علیه السلام که مقامی بالاتر از امام دارد و «اساس» خوانده می‌شود (بنیاد دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۸، ص ۵۲۸) سایر امامان بهره داوودی عبارتند از: امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، اسماعیل، محمد بن اسماعیل، عبدالله، احمد، حسین (مستور)، مهدی عیبدالله، القائم بامرالله، المنصور بالله، المعزالدین الله، العزیز بالله، الحاکم بامرالله، الظاهر الاعزاز دین الله، المستنصر بالله، المستعلی بالله، الأمر باحکام الله و ابوالقاسم الطیب (نوبختی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۱).

بهره‌ها سلسله خلفای فاطمی را تا الأمر باحکام الله به عنوان امام قبول دارند، ولی چهار خلیفه بعد از او، الحافظ لدین الله، الضافر بامرالله، الفائز بالله و العاضد لدین الله را امام نمی‌دانند (یحیی الامین، ۱۳۷۸، ص ۸۷). امام بیست و یکم آنها طیب، بنا به عقیده بهره‌ها از نظر غائب شده است.\*

۶. مقام اسماعیل از سایر امامان بالاتر است؛ چون هر امام هفتمی مقام والاتری نسبت به شش امام قبلی دارد.

۷. از تمام انبیاء گناه صادر شده است؛ چون آنان مراتبی که مستحق آن نبوده‌اند از خداوند متعال درخواست کرده‌اند، ولی حضرت علی علیه السلام و امامان نسل او هیچ‌گاه گناه نکرده‌اند؛ چون هیچ وقت از خداوند آنچه را که لایق آن نبوده‌اند، نخواستند.

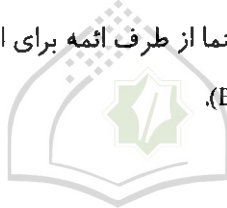
---

\* در کتاب فرهنگ نامه فرقه‌های اسلامی، امام موعود آنها مهدی منتظر خوانده شده است که غایب از انتظار است (یحیی الامین، پیشین، ص ۸۷).

۸. ابلیس مرده است، ولی هر کس با امام زمان خود مخالفت کند، ابلیس است.  
۹. اگر امامی مرتکب فواحش یا محرمات شود، باز در مقام امامت باقی خواهد ماند.

۱۰. آغاز ظهور ائمه از شهر مدینه بوده است و طی سال‌های ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی این مکتب در قاهره (مبدأ مذهب و فرهنگ فاطمیه) ادامه یافته است.  
۱۱. به تمامی امامان از ۲۱ به بعد، دستور داده شده است به طور مخفی و دور از اجتماع زندگی کنند.

۱۲. از امام بیست و یکم به بعد، نمایندگان ائمه که داعی مطلق نامیده می‌شوند، به عنوان راهبر و راهنما از طرف ائمه برای امت اسلام منصوب شده‌اند  
(Bohra Believes, 1994, P.24).



## اصول بنیادی

علاوه بر اعتقادات، بهره‌ها دارای چند اصل مسلم و بدیهی هستند که تمام پیروان باید این اصول را بپذیرند. آنچه از متن این اصول برمی‌آید، لزوم اطاعت بی‌چون و چرای آنان از امام حاضر و نماینده او، داعی پنجاه و دوم است؛ به گونه‌ای که طبق این قوانین، کسی که از دستورات وی سرپیچی کند، به‌سختی مجازات و از جامعه خود طرد می‌شود.

## اصل ۱

هویت یک مؤمن و حفظ این اعتبار، به درجات عقیده وی بستگی دارد. فرهنگ و آداب و رسوم امامان مقدس، نمایانگر و مشخص‌کننده عقیده مؤمنان است؛ لذا برای شناخت این ارزش عالی مستور در درون مؤمنان و به‌کارگیری آن در راه

رستگاری و سعادت باید با پندگیری از اعمال و رفتار امامان گذشته، به درجه خلوص عقیده و ایمان افزود.

## اصل ۲

ایمان مؤمن و عقیده وی سازنده دین و دنیای اوست. از ابتدای ظهور اسلام تا کنون، آل محمد و داعیان پس از وی زندگی مملو از حسن و زیبایی را به نحو احسن و برطبق مقررات مذهب انجام داده‌اند. در پرتو این امر، مؤمنان باید زندگی اجتماعی و شخصی خود را بر پایه راه و روش پیامبر و امامان قرار داده، در کلیه مسائل به سوی الله، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان پس از وی روند و از آنها استمداد جویند (عرب احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۸).

## اصل ۳

فراگیری علوم و دانش‌های گوناگون بر هر زن و مرد مؤمن واجب و ضروری است؛ البته این امر باید طبق رویه و خط و مشی مشخص و خاصی بوده، مطابق با عزت و احترام به مؤمنان باشد. فراگیری علوم مذهبی و غیرمذهبی عمده‌تاً در راه تفاهم فلسفه اسلام و هدایت و ارشاد جامعه به سوی طریق حق به کار می‌رود.

## اصل ۴

پروردگار عالم، انسان‌ها را با هدفی عالی خلق کرده و امکانات گوناگونی در اختیار آنها قرار داده است؛ لذا جماعت بهره باید همواره شکرگزار خداوند باشند و در راه تشکر از معبود خود گام بردارند.

## اصل ۵

تمرینات جسمی در راه افزایش توانایی‌های فیزیکی و بدنی و توسعه قوای عقلی و مذهبی جوانان لازم و ضروری است؛ از این رو اجرای برنامه‌های مناسب ورزشی در کنار دعوت و برنامه‌های مذهبی، مهم و سازنده می‌باشد (A Humble Tribeto Our Religious Heritage, 1994, P.26).

## قوانین

جدای از اصول بنیادی، این فرقه دارای قوانینی است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. عقیده در برگیرنده براهت و ولایت است. عقیده خود بر پایه این دو امر قرار دارد؛ لذا پس از اینکه مؤمنان به صورت فردی و جمعی مفاهیم عالی این امر را دریافت نمودند، باید سر به فرمان این عقیده - شامل قوانین، معانی و احیاناً تمرینات و محرمات آن - نهند (A Glance at Bohra Jimaat, 1995, P.26).

۲. قرآن کریم معیار و الگوی هر مؤمن در تمام زندگی‌اش است؛ لذا تمامی مؤمنان باید ضمن قرائت روزانه آن، سعی کنند مفاهیم معنوی آن را درک نموده، این مفاهیم را به حافظه بسپارند. مؤمنان باید قرآن را سرمشق زندگی خود قرار دهند؛ همچنین کسانی که به طریقه قرآن عمل کرده، کل قرآن را حفظ می‌کنند، مستحق دریافت جوایز و پاداش‌هایی می‌باشند.\*

۳. بر کلیه افرادی که افتخار خدمت به جامعه بهره را داشته‌اند و در زمره

---

\* بهره‌ها تأکید خاصی بر قرائت و حفظ قرآن دارند و معمولاً در مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن که در کشورهای مختلف برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند. بسیاری از آنان در مسابقات حفظ قرآن کریم که همه ساله در کشورهای کنیا، تانزانیا و شبه قاره هند برپا می‌گردد، مقام‌هایی را نیز به خود اختصاص داده‌اند (بررسی‌های میدانی پژوهشگر، دارالسلام و نایروبی، ۱۳۷۴-۱۳۷۶).



کارکنان آن به شمار می‌روند، واجب و حتمی است که از دین اسلام اطلاعات کافی داشته باشند و موجبات رضایت افراد را فراهم آورند.

۴. برای انتقال مفاهیم عالی و دعوت، رهبران جامعه بهره باید زبان و نوشتار دعوت را به‌خوبی فرا بگیرند و در راه هدایت جامعه خود به کار برند.

۵. لباس شایسته، ظاهر مناسب و در مجموع، زیبایی از مشخصات اصلی دین اسلام به شمار می‌رود. مؤمن باید ضمن اهمیت به این امور، زیبایی و نظافت را در زندگی روزمره خود رعایت کند (عرب احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹).

۶. تقلید کورکورانه از اعمال و رفتار سایر افراد جماعت و عدم تفکر در تعالیم مذهبی امری ناپسند به شمار می‌رود؛ لذا مؤمنان باید با ایمان کامل و فکر باز به این مذهب بگردند. جماعت نیز موظف است با احداث مدارس، مساجد، مکان‌های عبادت، مؤسسات آموزشی و جماعت‌خانه‌ها آنان را در راه رسیدن به این ایمان قلبی یاری دهد.

۷. زبان عربی، زبان اسلام و زبان همه مذاهب نشأت گرفته از اسلام است. برای درک کامل اسلام و مفاهیم عالی آن باید تدبیری اندیشه شود که همه پیروان بهره به عربی مسلط شوند و یا حداقل بتوانند از آن استفاده کنند.

۸. زنان بهره باید فاطمه زهرا علیها السلام را همواره سرمشق و الگوی خود قرار دهند و در حفظ شرف و حرمت خود کوشا باشند؛ آنان همچنین باید به فرزندان خود راه و رسم زندگی این‌چنین را بیاموزند.

۹. فرهنگ اسلام یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌های جهانی است که با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی به اوج شکوفایی خود رسیده است. کسانی که با وارونه جلوه دادن این فرهنگ سعی در تقلید از سایر فرهنگ‌های منحط

غربی دارند، دشمنان اسلام به شمار رفته، باید از جوامع اسلامی طرد شوند.

(A Glance at Bohra Jimaat, 1995, P.29)

۱۰. ازدواج برای زنان جماعت بهره‌امری شایسته است که در سن مناسب و جهت برآورده نمودن نیازهای جنسی و معنوی هر فرد، واجب و ضروری است. زنی که از این فرمان سرپیچی کند، مؤمنه خوانده نمی‌شود.

۱۱. تجارت و فعالیت‌های اقتصادی اموری هستند که از قرن‌ها پیش برای مؤمنان پسندیده به شمار رفته‌اند، ولی کسانی که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند، باید مراقب باشند از راه راست غافل نشده، علاوه بر آن سعی کنند با توسعه صنعت و تجارت، جامعه و کشور خود را به خودکفایی و استقلال برسانند.

۱۲. با توجه به اینکه کودکان جامعه، آینده‌سازان این فرقه می‌باشند، لذا تعلیمات مذهبی باید به طور کامل به آنان آموخته شود و از جمله باید مقدمات لازم برای اعزام آنان به جامعه السیقیه برای فراگیری زبان عربی، تعلیمات اسلامی و ذخایر آل محمد صلی الله علیه و آله فراهم آید.

۱۳. در هر شهری جماعت بهره باید فعالیت‌هایی در راه کمک به عموم مردم شهر خود انجام دهد.

۱۴. جوامع بهره باید با سیاست‌های دولت‌ها در جهت ریشه‌کن نمودن بیکاری، فقر و بی‌سوادی هماهنگ باشند (عرب احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۱).

جدای از این موارد، بهره‌ها نسبت به اجرای فرائض دینی خویش همچون نماز، زکات، (زکاة، صلاة، حق النفس، حق نکاح، سلامی سیدنا، دعوت، نذر مقام) روزه، حج و زیارت، جهاد، قیامت و... نیز تأکید خاصی دارند و این فرائض را به نحو احسن اجرا می‌نمایند (هولیستر، ۱۳۷۳، ص ۳۲۰).

### مراسم میثاق در جامعه بهره‌ها

در سلسله مراتب بهره‌ها پس از شیوخ و ملاها، مردم غیرروحانی قرار دارند. هر یک از افراد بهره در جامعه خود، دارای جایگاه مهمی هستند؛ چرا که هر فرد بهره طی آیین رسمی خاص عضو جامعه بهره‌های داوودی می‌گردد. این آیین خاص که در واقع مراسم پیمان اطاعت و پیروی است، «میثاق» نامیده می‌شود. میثاق با امام الطیب و از طریق داعی یا نماینده داعی در جماعت‌ها صورت می‌گیرد و فرد، ضمن پذیرفته شدن در جامعه بهره‌ها متعهد می‌گردد از اخلاق و آیین جماعت بهره‌ها و همچنین از داعی مطلق در تمامی امور پیروی نماید (Salvadori, 1998, P.267).

مراسم میثاق توسط نوجوانان بهره (اعم از پسر و دختر) که به سن بلوغ رسیده‌اند، انجام می‌گیرد. افرادی که تازه به مذهب بهره گرویده‌اند نیز باید مراسم میثاق را به جای آورند. در مراسم میثاق متن قسم در برابر حضار با صدای بلند قرائت می‌شود و حدود بیست دقیقه طول می‌کشد و پس از اتمام آن، فرد در زمره مؤمنین جای می‌گیرد. وی پس از نائل آمدن به مذهب بهره داوودی از تمام مزایایی که برای اعضای جامعه بهره وجود دارد، برخوردار می‌گردد. در مقابل باید به تمام تعهدات خود در قبال جامعه بهره پایبند باشد (Ibid).

تمام شیعیان بهره، همه‌ساله در روز عید غیر خم در مسجد بهره‌های شهر خود حضور می‌یابند و میثاق خویش را با امام و داعی بهره‌ها تجدید می‌کنند. این میثاق در برابر خداوند و امام غایب صورت می‌گیرد و مؤمنان بهره در غیاب او اطاعت کامل خویش را از داعی مطلق اعلام می‌دارند. قوانین موجود در این میثاق که به میثاق‌نامه معروف است، در دوره رهبری داعی فعلی بهره‌ها

سیدبرهان‌الدین به صورت نوینی تنظیم شده است.<sup>۳\*</sup> داعی مطلق بر اجرای این قوانین تأکید دارد و عاملان و صاحبان دعوت در کشورهای مختلف محل سکونت بهره‌ها را ملزم می‌نماید بر قبول بی‌چون و چرای این امور از سوی اعضای فرقه نظارت کامل داشته باشند. محتوای کلی میثاق‌نامه فعلی بهره‌ها به شرح ذیل است:

۱. ختنه نمودن دختران (علاوه بر ختنه پسران) که ظاهراً سابق بر این معمول نبوده است.
۲. نظر دادن در کلیه امور زندگی بهره‌ها حتی خصوصی‌ترین مسائل زناشویی آنان توسط داعی مطلق و یا صاحب دعوت داعی مطلق در آن کشور.
۳. مقرر نمودن ده‌ها مالیات و عوارض، نظیر سهم امام، خمس، مالیات فرزندان، خانه، دارایی و... بر بهره‌ها که باید توسط صاحب دعوت اخذ و برای داعی مطلق ارسال گردد.
۴. ممنوع بودن عقد و ازدواج، کفن و دفن مردگان، نامگذاری کودکان و برگزاری مراسم مذهبی در مساجد و حسینیه‌ها بدون اجازه داعی یا صاحب داعی مطلق در آن کشور.
۵. لزوم ارسال سالانه مالیات‌ها، نذورات و هدایا به محل سکونت داعی با نظارت صاحبان دعوت.
۶. عدم اجازه اعضای جماعت در تفسیر قوانین فعلی جماعت بهره‌ها. تنها صاحبان دعوت می‌توانند توضیحاتی در این خصوص به مردم منطقه خود ارائه دهند (Bohra Believes, 1994, P.41).

---

\* محتوای صیغه میثاق و حتی عبارت‌های آن یادگاری از زمان فاطمیان است (هولبستر، پیشین، ص ۳۱۷-۳۱۶).

## زندگی اجتماعی و آداب و رسوم بهره‌ها

یکی از شاخصه‌های اصلی شیعیان بهره، زندگی بسته و محدود آنان است. بهره‌ها سخت پایبند مراعات انزوای خودساخته‌شان می‌باشند، بدان افتخار می‌کنند و مؤسسات مختلفی نیز برای بر آوردن نیازهای جسمی و روحی خود در کشورهای مختلف تأسیس کرده‌اند.

آنها برای فشرده شدن این همبستگی، علاقه شدیدی به پوشیدن لباس مخصوص خود دارند. مردان بهره دو نوع لباس دارند، یکی برای نماز (فته) و دیگری برای سایر مجالس و محافل. لباس دوم، لباس بلند سفیدرنگی با یک کلاه (عمامه) است. لباس فته (Feta) نیز در طول دهه‌های گذشته از اسماعیلی‌های نزاری وارد فرهنگ بهره‌ها شده و روز به روز در حال گسترش است. امروزه هر مردی که میثاق را انجام می‌دهد، بر خود لازم می‌داند لباس فته را بر تن کند.

زنان بهره نیز لباس مخصوص به خود را دارند که بقعه یا ردا نامیده می‌شود. این لباس دو تکه است و امروزه پوشیدن آن بر همه زنان بهره الزامی است. روسری بانوان بهره دارای روبندی است که اگر آن را ببندازند، کل صورت را می‌پوشاند، ولی معمولاً نیمی از موهای سر آنان بیرون است. رنگ ردا معمولاً به رنگ روشن است.

مردان و زنان بهره از پوشیدن لباس تیره و مشکی ممنوع هستند و حتی در ماه محرم از آن استفاده نمی‌کنند؛ چرا که معتقدند با وجود امام - ولو در غیبت - وجود داعی نیازی به ماتم‌سرایبی نیست.

از عادات دیگری که از زمان داعی قبلی بین بهره‌ها رواج یافت و وی آن را اجباری نمود، کوتاه ساختن سبیل مردان و گذاشتن ریش بلند است. این امر اگرچه

از نظر اداری و رسمی پذیرفته نیست، ولی اکثر مردان بهره معمولاً این قاعده و رسم را رعایت می‌نمایند (Asghar Ali, 1988, P. 92).

مسجد بهره‌ها محلی عمومی برای آنان است. بهره‌ها معمولاً در مناسبت‌های مختلف و ضیافت‌های شام و ناهار دور هم جمع می‌شوند. برای بانوان محدودیتی در ورود به این مساجد نیست. آنان در طبقهٔ دوم مساجد جای می‌گیرند و با مردان در ارتباطند.

در موقع صرف غذا نیز معمولاً مردان بهره (بر خلاف شیعیان اثنی‌عشری) غذای بانوان را توزیع می‌کنند. بهره‌ها معتقدند: هر گونه فعالیتی که مربوط به مذهب و در نتیجه مربوط به خدا باشد، باید در برابر چشمان خداوند و در خانهٔ خداوند انجام گیرد، بنابراین مسجد محل تجمع عمومی آنهاست؛ البته زنان در عبادات یومیه معمولاً به مساجد نمی‌روند، ولی در مناسبت‌های عمومی همچون عید غدیر، رمضان، محرم و غیر آن در مسجد حضور می‌یابند. تمام مساجد بهره‌ها دارای بالکن‌هایی هستند که مختص بانوان است و این ایوان‌ها به گونه‌ای ساخته می‌شوند که برای مردان بهره و بالاخص عامل جماعت قابل رؤیت باشد. زنان در هنگام قاعدگی نیز از ورود به مساجد منع نشده‌اند، ولی به جای خواندن نماز فقط در کنار نمازگزاران در بالکن مساجد می‌نشینند.

بهره‌ها علاقهٔ بسیاری به میل غذا در مساجد دارند. نسل قدیمی بهره‌ها از خوردن غذا از دست غیر بهره‌ها اکراه دارند، لذا کمتر بهره‌ای مشاهده می‌شود که دست‌اندرکار امور رستوران‌ها باشد. افراد ثروتمند جماعت نیز گاهی در مساجد غذا تهیه می‌کنند و افراد بهره در مسجد آن را تناول می‌کنند. هر مسجد دارای یک آشپزخانه و دو سالن غذاخوری (مردان و بانوان) است. آشپز اصلی باید حتماً خانمی بهره باشد و کمک آشپزها می‌توانند از افراد بومی و محلی انتخاب شوند.

علاوه بر مراسم فوق، بهره‌ها در مراسم خصوصی نیز از مساجد استفاده می‌کنند. دو امر مهم در دوران طفولیت انجام می‌گیرد که یکی در مسجد و دیگری در منزل صورت می‌پذیرد: اول نامگذاری بچه است که معمولاً در روز ششم تولد انجام می‌گیرد و در این رابطه، مراسمی در جمع بهره‌ها در مساجد بر پا می‌گردد. حادثه دوم که حتماً باید در منزل صورت گیرد، تراشیدن موهای بچه است که در روز هفتم انجام می‌شود و اگر در روز هفتم میسر نشد، در روز چهاردهم اتفاق می‌افتد. این مسئله تا بیست و یک روز نیز می‌تواند به تعویق افتد؛ در این مراسم یک بز ذبح می‌شود و در زمان بریدن گلوی بز، موهای بچه نیز تراشیده می‌شود (Salvadori, 1998, P.254).

از آداب و رسوم دیگر بهره‌ها ختنه دختران و پسران در سنین کودکی است که معمولاً از چهار روزگی شروع و تا چهار سالگی انجام می‌گیرد. بهره‌ها تنها گروه شیعیان محسوب می‌شوند که ختنه دختران را لازم می‌دانند. ختنه دختران به «Cloliterodectomy» مشهور است و این امر در واقع تقلیدی از اجداد مصری و یمنی آنهاست که در گذشته معمول بوده و هست. در این روز والدین کودک جشنی را به طور ساده برگزار می‌کنند.

عرف و رسم دیگری که در بین بهره‌ها حاکم است، مراسم بلوغ و ازدواج است. نسل قدیمی بهره‌ها معتقد بودند فرزندان وقتی مراسم میثاق را انجام دادند، باید ترتیب ازدواج آنها نیز فراهم گردد؛ ولی امروزه بنا به دلایل اجتماعی و اقتصادی، سن ازدواج پس از بیست سالگی مقرر شده است. مراسم ازدواج آمیزه‌ای از رسوم و عادات مسلمانان هندی و هندوان است که با عقد نکاح شرعی شروع می‌شود؛ البته سعی شده است عقد نکاح به صورت دسته‌جمعی و هنگام آمدن داعی مطلق به این کشور خوانده شود؛ این مراسم به مراسم مقدس سیفی نیز شهرت دارد.

در عقد نکاح، معمولاً عروس خود مستقیماً طرف عقد قرار نمی‌گیرد، بلکه وکیل وی این کار را انجام می‌دهد و برای این منظور، قبل از قرائت عقد نکاح، داعی یا عامل، دو نفر را به منزل دختر می‌فرستند تا جویا شوند عروس چه کسی را وکیل خود نموده است. معمولاً پدر یا در صورت فوت وی یکی از خویشاوندان نزدیک عروس این امر را بر عهده می‌گیرند.

مراسم مرگ و تدفین بهره‌ها نیز همچون مراسم ازدواج، منحصر به خود آنهاست و داعی یا نماینده وی در جماعت تشریفات رایج را انجام می‌دهد. اموات بهره‌ها مثل سایر شیعیان در قبرستان مخصوص به خودشان دفن می‌گردند (Asghar Ali, 1988, P. 94).

### اعمال مذهبی بهره‌ها

به سبب رعایت اصل مهم باطنیه و همچنین به علت نفوذ و قدرت داعی، مراسم عبادی و اخلاقی بهره‌های داوودی همواره حالتی سرّی و مخفیانه داشته است؛ در عین حال آنان الگوهای عمومی و اسلامی سایر مسلمانان را نیز دارا می‌باشند. محدودیت‌ها و آزار و اذیت‌هایی که در طول سال‌های متمادی از سوی حکومت‌های کشورهای مختلف نسبت به بهره‌ها اعمال شده است، این عنصر سرّی و باطنی را در آنها تقویت کرده است؛ لذا اکثر بهره‌ها معتقدند که نباید خارج از مذهب بهره، کسی در مجالس، مساجد و مراسم آنها شرکت ننماید و اعتقاد دارند عبادت آنها باید به صورت مخفی و سرّی انجام شود؛ البته این امر از سوی تمامی بهره‌ها و به طور مطلق پذیرفته نیست؛ چرا که اذان و خطبه‌های نمازهای جماعت آنان از بلندگوی مساجد نیز پخش می‌شود و حتی غیر بهره‌ها نیز گاهی در مجالس مذهبی آنها شرکت می‌نمایند؛ با این حال ورود به مسجد و



شرکت در مراسم بهره‌ها نیاز به اجازه خاصی دارد که باید از کمیته مساجد اخذ شود.

در درس تفسیر باطنی از قرآن مجید، همه بهره‌ها نمی‌توانند شرکت کنند، بلکه تنها برخی از علما و تحصیل کرده‌های بهره حق شرکت در اینگونه کلاس‌ها را دارند. اکثر بهره‌ها به آنچه از ظاهر قرآن فهمیده می‌شود و آنچه داعی از باطن قرآن فاش می‌کند، عمل می‌کنند؛ بنابراین حتی در خطبه‌های نماز نیز چیزی از تفسیر باطن آیات گفته نمی‌شود.

شهادتی که فرد غیر بهره می‌دهد تا جزء مؤمنین بهره قرار بگیرد، معمولاً شامل اعتقاد به خدا، پیغمبر ﷺ، علی علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر ﷺ، امام در غیبت و اطاعت محض از داعی مطلق وقت است (Salvadori, 1998, P.261).

بهره‌های داوودی نمازهای پنجگانه را همچون سایر شیعیان به جا می‌آورند و جمع بین صلاتین در پیش آنها جائز است؛ ولی برخی از آداب را رعایت نمی‌کنند؛ برای مثال قنوت، و قیام در هنگام تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع را به هیچ عنوان رعایت نمی‌کنند. آنان ادای کلمات را نیز ظاهر نمی‌سازند و پس از بلند شدن امام جماعت از رکوع یا سجده، یک نفر که پشت سر امام قرار دارد با صدای بلند الله اکبر می‌گوید و نمازگزاران بدون هیچ قیام یا مکثی به رکوع یا سجده رفته، بلند می‌شوند. از خصائص مهم دیگر بهره‌ها آن است که در بدو ورود به مسجد و قبل از شروع نمازهای واجب یومیه دو رکعت نماز مختص مسجد به جا می‌آورند. این دو رکعت در بین جماعت بهره الزامی است. آنان نماز جمعه را به جای نمی‌آورند و در صورت برگزاری آن نیز خطبه‌ای در آن ایراد نمی‌شود (هولیستر، ۱۳۷۳، ص ۲۳۱). در کنار مساجد بهره‌ها وضوخانه مخصوصی برای مردان و بانوان تدارک دیده شده است. پس از وضو،

مردان، لباس مخصوص و سفیدرنگ خود را - که در محل مخصوصی در مسجد نگه‌می‌دارند - می‌پوشند و برای نماز حاضر می‌شوند. زنان نیز پس از وضو وارد مسجد می‌شوند و هیچ تشریفات خاصی در این زمینه وجود ندارد؛ ولی هنگام ورود به مسجد باید ردای مخصوص به خود را بر تن کنند. هر کدام از نمازگزاران در هنگام نماز، سجادهٔ مختص به خود را که معمولاً پارچهٔ سفیدرنگ و تمیزی است، پهن نموده، بسر روی آن نماز می‌گزارند و از مهر استفاده نمی‌کنند (Salvadori, Ibid).

بهره‌ها ماه رمضان را به مدت یک ماه روزه می‌گیرند و ساعات شرعی خویش را بر اساس تقویم قمری مربوط به خود تنظیم می‌کنند که در زمان سلسلهٔ فاطمی مورد استفاده قرار می‌گرفته و به تقویم مصری معروف بوده است. این تقویم با تقویم قمری که در زمان خلفای راشدین استفاده می‌شد، کمی تفاوت دارد (دفتری، ۱۳۷۳، ص ۳۶۱). بهره‌ها مانند سایر مسلمانان به رؤیت هلال ماه با چشم غیر مسلح اعتقادی ندارند؛ از این رو روز عید فطر را معمولاً یک یا دو روز قبل از سایر مسلمانان جشن می‌گیرند.

شیعیان بهره، در ماه مبارک رمضان عمدتاً نماز مغرب و عشاء را به طور جماعت در مسجد به جای می‌آورند و پس از نماز، روزهٔ خود را با یک لیوان شیر داغ افطار می‌کنند. سپس غذایی را که توسط جماعت تدارک دیده شده است، تناول می‌نمایند. آنها در شب قدر معمولاً تا هنگام اذان صبح در مسجد می‌مانند تا نزول وحی الهی به پیامبر ﷺ را جشن بگیرند. در صبح روز عید فطر نماز را بر پای می‌دارند و کل روز را به دید و بازدید عید مشغول می‌شوند (Salvadori, 1998, P.262).

داخل جامعهٔ بهره یکسری مالیات‌های اجباری از اعضای جماعت گرفته

می‌شود که قسمتی از آن ناشی از مذهب است و قسمتی دیگر برگرفته از ضوابط داخلی جامعه بهره‌ها.\*

حج نیز بر شیعیان بهره‌ای که استطاعت مالی داشته باشند، لازم است و سازمان مرکزی بهره‌های داوودی تمام تلاش خود را در برپایی این مراسم و اعطای امکانات لازم به حجاج انجام می‌دهد. بهره‌ها دو هتل در مکه و مدینه فراهم کرده‌اند که حجاج بهره‌ای در آن مستقر می‌شوند و راهنمایی‌های لازم در اختیار آنها قرار می‌گیرد (Ibid). زیارت مقابر مقدس در عراق، ایران و مصر نیز برای بهره‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است.\*\*

در مجموع می‌توان گفت بهره‌ها افرادی خموش و بی‌آزارند و به فرقه‌ای صلح‌طلب شهرت یافته‌اند. آنان جهاد در اسلام را نه به معنی مجاهدت و جنگ نظامی با شیطان‌ها و زورگویان، بلکه نزاع شخصی و باطنی با نفس اماره می‌دانند.

آنها در انجام فرائض مذهبی خود نیز سعی می‌کنند تا حد امکان، تضادی با سایر گروه‌های مذهبی پیدا نکنند؛ از این رو در اعمال مذهبی خاص خویش هم، بر اصل انزوای خود تأکید دارند.

---

\* برخی از این وجوه عبارتند از: خمس سالانه، زکات، حق النفس، سلام و... این وجوه سالانه از بین بهره‌ها جمع‌آوری می‌شود و به خزانه مرکزی داعی مطلق واریز می‌گردد (دفتری، پیشین، ص ۳۶۰).

\*\* بهره‌ها همه ساله به زیارت مقابر مقدس به‌ویژه قبور مطهر امامان شیعه (تا امام ششم) در عربستان (قبرستان بقیع) و عراق (نجف و کربلا) می‌پردازند. محراب مسجد کوفه که حضرت علی علیه السلام در آن محل به شهادت نائل آمد، توسط داعی فعلی بهره‌ها برهان‌الدین با طلا و نقره به طرز بسیار زیبایی تزیین گردیده است. ضریح طلای اقدس بارگاه امام حسین علیه السلام نیز در زمان داعی پنجاه و یکم طاهر سیف‌الدین ساخته شده است. ضریح مقام روز شهدای دمشق نیز توسط سیدبرهان‌الدین به دولت سوریه هدیه شده است.

## موقعیت فعلی شیعیان بهره

جمعیت فعلی شیعیان بهره در کل جهان بر اساس کتب منتشره توسط مرکز تبلیغ بهره‌ها در حدود چهار میلیون برآورده شده است که در کشورهای مختلف دنیا پراکنده‌اند.\* آنچه در این جامعه به وضوح مشخص است، نظم و نسق حاکم بر آن می‌باشد که سبب انسجام آن و فرمانبرداری کامل اعضا از پیشوای خود شده است. مراکز این جماعت در حال حاضر در هندوستان و شهر بمبئی می‌باشد،\*\* ولی در طول دو قرن گذشته گروه‌هایی از جماعت بهره‌ها عمدتاً به سبب اهداف تجاری و اقتصادی از هند به سایر کشورهای دنیا مهاجرت کرده‌اند که عمدتاً

\* این آمار از کتاب ستایش میراث مذهبی ما که یکی از کتاب‌های معتبر بهره‌ها به شمار می‌رود، نقل شده است؛ ولی اکثر منابع، شمار بهره‌ها در سرتاسر جهان را کمتر از یک میلیون نفر دانسته‌اند؛ برای مثال دکتر فرهاد دفتری، جمعیت آنها را ۵۰۰ هزار نفر تخمین زده است (دفتری، پیشین، ص ۳۵۶). در کتاب اسماعیلیان در تاریخ نیز شمار بهره‌ها در حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر بر آورده شده است (ص ۳۲۹) و در دائرةالمعارف اسلامی نیز همین رقم تکرار شده است (ص ۱۲۵۴). دکتر محمدجواد مشکور نیز در فرهنگ فرق اسلامی تعداد بهره‌ها را بسیار کمتر از یک میلیون دانسته است (ص ۱۰۹). آقای اصغر علی مهندی در کتاب خود آمار بهره‌ها را کمتر از یک میلیون خوانده است (ص ۲۶۸) و در پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز جمعیت بهره‌ها در جهان نیم میلیون نفر برآورد شده است. باید یادآور شد اگرچه اکثر منابع فوق، نسبتاً قدیمی بوده و طی بیست تا سی سال گذشته تألیف شده‌اند، ولی مطمئناً در طی این مدت نیز نمی‌توان تصور کرد که شمار بهره‌ها به سرعت از حد اکثر یک میلیون به چهار میلیون افزایش یافته باشد؛ از این رو ظاهراً آمار چهار میلیون مزبور تلاشی در جهت گسترده نشان دادن پیروان این جامعه بوده است. با این حال بهره‌ها بر این آمار تأکید دارند و معتقدند تنها در گردهمایی شیعیان بهره در سال ۱۹۹۳ که در شهر پونا در هند برگزار شد، یک میلیون نفر حضور داشتند.

\*\* البته مرکز اصلی آنها شهر سورات است، ولی به سبب اقامت سید برهان‌الدین داعی مطلق در بمبئی، این شهر در حال حاضر به مرکز بهره‌های جهان تبدیل شده است (دائرةالمعارف اسلام، پیشین، ص ۱۲۵۵).

شامل شرق آفریقا و خاور دور می‌باشد.\* پس از جنگ جهانی دوم گروهی از بهره‌ها به انگلستان، اروپا، آمریکا و استرالیا مهاجرت نموده، اقلیت‌هایی در این کشورها تشکیل داده‌اند. در حال حاضر حدود ۴۷۰ مرکز بهره در سراسر جهان وجود دارد که هر یک از این مراکز به وسیله قانون اساسی‌ای که از سوی داعی مطلق تدوین شده است، اداره می‌شود. هر مرکز، مجموعه‌ای متشکل از مسجد، مسافرخانه، مدرسه، کودکستان، سالن اجتماعات، بیمارستان و مانند آن می‌باشد. اجتماع شیعیان بهره تقریباً دارای هفتصد مسجد، ۱۳۷ مسافرخانه، ۵۲ بیمارستان، پنجاه کتابخانه، ۲۱ آرایشگاه، چهارصد سالن اجتماعات، چهار دانشکده، ۳۵۰ دبستان و سه یتیمخانه می‌باشد (The history of Bohras in east africa, 2006, P.32).

به منظور تداوم اعتقادات مذهبی فرقه بهره، این جامعه دارای مراکزی به نام الجامعة السیفیه و آکادمی عربی در سورات و کراچی می‌باشد که عمدتاً به تربیت معلمان و رهبران بهره‌های نقاط مختلف، اختصاص دارند. این مراکز به سبب سطح علمی خود شهرت جهانی کسب کرده‌اند و به عنوان یکی از مراکز فرهنگی و آموزشی اسلامی به رسمیت شناخته شده‌اند. جدای از این، داعی مطلق چند بنگاه خیریه صدقه نیز تأسیس کرده است که به بنیاد سیفی، بنیاد یادبود دکتر طاهر سیف‌الدین و بنیاد برهانی کارزان حسنه مشهورند. تمامی این مراکز خیریه در هندوستان، پاکستان، انگلستان، سریلانکا، کنیا، اوگاندا و تانزانیا مشغول به فعالیت می‌باشند. درآمد حاصل از این بنیادها (بدون استفاده توسط اعضا) به طور کامل صرف خدمات عمومی و امور عام‌المنفعه می‌شود. تاکنون تنها در هند بیش از ۲۰۰۰ خانه توسط این بنیادها وقف و در اختیار مستمندان قرار گرفته است (A Glance at Bohra Jimaat, 1995, P.31).

\* علاوه بر شهرهای مختلف هند همچون احمدآباد، سیدپور، ذهاد، اودی‌پور، اوجین و سایر شهرهای ایالت گجرات، بهره‌ها در پاکستان، سریلانکا، یمن، میانمار، تانزانیا و کنیا نیز اقلیت‌های قابل ملاحظه‌ای را تشکیل داده‌اند (دفتری، پیشین، ص ۳۵۷).

## نتیجه

همان‌گونه که در این تحقیق مشخص شد، فرقه بهره داوودی نظیر فرقه آقاخانیه (اسماعیلیه) تا زمان امام جعفر صادق علیه السلام دارای تاریخچه مشترکی با شیعیان خوجه اثنی عشری بوده و اختلاف و انشعاب آنها از شیعیان دوازده امامی، عمدتاً بدان سبب است که آنان معتقدند پس از شهادت امام جعفر صادق علیه السلام نص امامت بر اسماعیل قرار گرفت و نه امام کاظم علیه السلام.

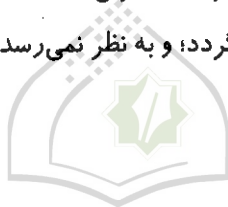
شیعیان بهره پس از اسماعیل نیز محمد پسر وی را امام دانستند و به طور کامل از شیعیان دوازده امامی جدا شدند و تاریخ پیدایش این فرقه از آن زمان آغاز شد. افراد این فرقه در قرن ششم هجری ابتدا به یمن و از آنجا به هند مهاجرت کردند و در این سرزمین سکونت یافتند؛ به طوری که هنوز نیز بخش اعظم بهره‌ها در هند سکونت دارند و پیشوای آنان (امام بیست و یکم بهره‌ها) در شهر بمبئی اقامت دارد.

بر طبق اعتقادات این فرقه، امامت به صورت جانشینی نبوده و پس از فوت هر یک از امامان، امام بعدی طی انتخابات و به وسیله مردم انتخاب می‌شود و دارای اختیار و قدرت کامل می‌باشد. در طول پیدایش این فرقه - که ۸۵۰ سال را دربرمی‌گیرد - ۵۲ داعی مطلق رهبری جامعه بهره‌ها را بر عهده داشته‌اند که آخرین آنها سید محمد برهان‌الدین داعی مطلق امام بیست و یکم است که اکنون بیش از نود سال داشته، در بمبئی هند سکونت دارد.

بهره‌ها دارای اصول و مقررات مذهبی خاص خود هستند و به اجرای فرائض مذهبی، برگزاری نماز جماعت، برگزاری مسابقات تلاوت قرآن و شرکت در رقابت‌های بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن کریم در کشورهای مختلف اسلامی، برپایی مراسم شهادت و تولد ائمه اطهار علیهم السلام [تا امام ششم]، زیارت قبور ائمه

اطهار عليه السلام به ویژه کربلا و نجف، اختصاص مبالغ کلان جهت ترمیم و توسعه این زیارتگاهها و ارسال نذورات و هدایا به حضور امام فعلی خود، سیدبرهان‌الدین بسیار معتقد و پایبند می‌باشند.

در مجموع می‌توان گفت بهره‌های داوودی با وجود آداب و رسوم خاص خود، شیعیان معتقدی هستند که اگرچه تنها به شش امام اول شیعه اعتقاد دارند، ولی از نقطه نظر دینی دارای اصول ثابتی می‌باشند و به اجرای تعالیم مذهبی خود تأکید می‌ورزند. این جامعه با تکیه بر قوانین خود - که تا حدودی صبغه آهنین دارد - توانسته است نظم و نسق خود را به خوبی حفظ کند و به جامعه‌ای مذهبی با دارا بودن مقررات خاص مبدل گردد؛ و به نظر نمی‌رسد در آینده نیز خللی در اصول و تعالیم آن پدید آید.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

## منابع

۱. بنیاد دائرةالمعارف تشیع؛ دائرةالمعارف تشیع؛ ج ۲، تهران، ۱۳۷۸ ش.
  ۲. بطروشفسکی، ایلیا پاولویچ؛ اسلام در ایران؛ ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۴ ش.
  ۳. دفتری، فرهاد؛ تاریخ و عقاید اسماعیلیه؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ تهران: فرزانه، ۱۳۷۵ ش.
  ۴. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم؛ الملل و النحل؛ تهران: اقبال، ۱۳۵۰ ش.
  ۵. عرب احمدی، امیر بهرام؛ شیعیان تانزانیا ی دیروز و امروز؛ تهران: الهدی، ۱۳۷۹ ش.
  ۶. لوییس، برنارد و دیگران؛ اسماعیلیان در تاریخ؛ ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی، ۱۳۶۲ ش.
  ۷. مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب؛ اسماعیلیه؛ قم، ۱۳۸۰ ش.
  ۸. مشکور، محمدجواد؛ الفرق بین الفرق در تاریخ مذاهب اسلام؛ تهران: اشراقی، ۱۳۶۷ ش.
  ۹. \_\_\_\_\_؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم؛ تهران: اشراقی، ۱۳۵۵ ش.
  ۱۰. \_\_\_\_\_؛ فرهنگ فرق اسلامی؛ تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
  ۱۱. هاجسن، گ.س؛ فرقه اسماعیلیه؛ ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نی، ۱۳۶۹ ش.
  ۱۲. هولیستر، جان نورمن؛ تشیع در هند؛ ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی؛ تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ ش.
  ۱۳. یحیی الامین، شریف؛ فرهنگ‌نامه فرقه‌های اسلامی؛ ترجمه و پژوهش محمدرضا موحدی؛ تهران: باز، ۱۳۷۸ ش.
14. "A Humble Tribute to our Religious Heritage" Bombay, 1994.
  15. "Bohra Believes" Dar, Board of Tabliq, Dar es Salaam, 1994.
  16. "The Encyclopaedia of Islam" Volume:, 1 London Luzac & co.
  17. A Glance at Bohra Jimaat" Dar es Salaam, 1995.
  18. Asghar Ali, Engineer, The Muslim Communities of Gujarat\_an Exploratory study of Bohras, Khojas and memons. Delhi Ajanta Pub, 1988.
  19. Salvadori, Cynthia, "Through open Doors" Nairobi, Publications, Nairobi, 1998.
  20. Tremengham, Spencer, "Islam in east ofrica" oxford, 1964.
  21. www.History of Bohras. 2007. Htm.
  22. www. The history of Bohras in east africa. 2006.